





اسم منصوبی که فعل فاعل بر آن واقع شود.

قَتَلَ سَعِيدٌ عَلِيًّا

مفعولُ به

معمولاً در جمله ها، ابتدا فعل، سپس فاعل، و پس از آن مفعول به آورده می شود.

خَاقَ اللهُ الْعَالَمَ

ترتیب فعل و فاعل و مفعول

موارد وجوبی تقدّم مفعول به بر فاعل

مفعول به، ضمیر متصل، و فاعل اسم ظاهر باشد. **رَجَمَكَ اللهُ**

ضمیر، بازگشت کننده ی به مفعول به متصل به فاعل باشد. **وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ**

موارد وجوبی تقدم مفعول به بر فعل و فاعل

هرگاه بخواهیم فعل را در مفعول به منحصر کنیم. **إِيَّاكَ تَعْبُدُ**

مفعول به از اسم های صدارت طلب باشد. **مَنْ رَأَيْتَ؟**

افعال دو مفعولی

افعالی که دو مفعول آن ها در اصل، مبتدا و خبر بوده است (افعال قلوب):

عَلِمَ
رَأَى
وَجَدَ
ظَنَّ
حَسِبَ
زَعَمَ

عَلِمْتُ سَعِيداً عَادِلاً

افعالی که دو مفعول آن ها در اصل، مبتدا و خبر نبوده است:

أَعْطَى
وَهَبَ
رَزَقَ
أَسْكَنَ
أَلْبَسَ
أَطْعَمَ
سَقَى

وَهَبَ اللهُ الْإِنْسَانَ